

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۵

سوسیالیسم، تنها راه غلبه بر شکاف طبقاتی

کارل مارکس و فریدریش انگلس، دو آموزگار کبیر پرولتاریا در "مانیفست کمونیست" مطرح کرده اند که "بورژوازی هر جا به قدرت رسید... بین آدمیان پیوند دیگری جز پیوند نفع صرف و "نقدینه" بی عاطفه باقی نگذاشت". واقعیت این سخن نغز را امروز کارگران و زحمتکشان ما در جامعه سرمایه داری ایران مدام تجربه کرده و مفهوم عمیق آن را هر چه بیشتر با پوست و گوشت خود لمس می کنند. وقتی این خبر تکان دهنده را می شنویم که مسؤولین بیمارستانی صرفاً به خاطر پول، سبب مرگ یک زن حامله شده اند و به واقع با بی رحمی و بی عاطفگی که مناسبات متکی بر "نفع صرف" و "نقدینه" سرمایه داری ایجاب می کند، موجبات قتل وی را فراهم کرده اند برای مان مفهوم واقعی سخنان مارکس و انگلس و عمق فاجعه و جنایتی که بانی آن سیستم سرمایه داری حاکم بر کشور است هر چه عینی تر و ملموس تر می گردد. خبر تکان دهنده اخیر که از جمله در سایت روز نو درج شده این است که همسر حامله یک کارگر ساختمانی در شهر سلماس واقع در آذربایجان که برای زایمان به بیمارستان این شهر مراجعه کرده بود به تشخیص دکترها تنها با عمل جراحی می توانست نوزاد خود را به دنیا آورد ولی از آن جا که قادر به پرداخت هزینه زایمان نبود مورد جراحی قرار نگرفت و در نتیجه او را مجبور به زایمان طبیعی کردند که همان طور که دکترها پیش بینی کرده بودند این زایمان منجر به مرگ وی شد و این زن جوان به عنوان زن یک کارگر، درست به علت نداشتن "نقدینه" کافی در همان بیمارستان جان خود را از دست داد. اگر خوب توجه کنیم به واقع، مرگ این زن حامله را قانون و مقررات حاکم بر آن بیمارستان که خود بر اساس قانون حاکم بر تولید سرمایه داری که جز پول و منافع شخصی صرف سرمایه دار، به چیز دیگری پایبند نیست، رقم زد.

از این روست که بحث در این جا نمی تواند روی دکترها و کارکنان مشخص آن بیمارستان متمرکز شود بلکه بحث اصلی این است که سیستم سرمایه داری اساساً مناسباتی را در جامعه ایجاد می کند و انسان ها را بدون آن که خود بدانند وارد مناسباتی نموده و روابطی بین آن ها به وجود می آورد که خارج از حیطه خواست و تمایل آن هاست. در این مناسبات نه انسانیت و پیوند انسانی بلکه "نفع صرف" و "نقدینه" ای که جیب سرمایه داران را پر می کند در ارتباط انسان ها با یک دیگر حرف اول را می زنند. بر این مبناست که سیستم سرمایه داری هر روز و هر ساعت فاجعه و جنایت می آفریند.

خبر فوق هم چنین در حالی که از یک طرف شدت ظلم و ستمی که در سیستم سرمایه داری به کارگران و زحمتکشان وارد می شود را آشکار می کند، در عین حال بیانگر چگونگی تقسیم ثروت در جامعه نیز می باشد. برجستگی این امر موقعی هر چه بیشتر آشکار می شود که این خبر را با خبر دیگری که در سایت تابناک تهران به تاریخ ۲۶ مرداد [اسد]

۱۳۹۴ انعکاس یافته مقایسه کنیم - که در این صورت تقسیم ناعادلانه ثروت موجود در جامعه به صورت عیان و غیر قابل انکار در مقابل چشم همه قرار گرفته و عمق بی عدالتی گسترده در جامعه سرمایه داری که ذاتی این سیستم می باشد به همگان یادآور می شود. خبر دوم حاکی از آن است که "امروز برای برگزاری یک جشن عروسی شیک و به یاد ماندنی در تهران، عروس و دامادهای پولدار پایتخت نشین، هلی کوپتر را جایگزین ماشین عروس خود کرده اند." این خبر به وضوح نشان می دهد که چه پول های کلانی که به واقع حاصل دسترنج کارگران است در دست "پولدارهای پایتخت نشین" یعنی سرمایه داران و وابستگان به رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی متمرکز شده است، به گونه ای که آن ها برای صرف آن هر روز به جاه طلبی جدیدی دست می زنند. مقایسه دو خبر فوق در کنار هم، همچنین نشانگر آنند که سیستم سرمایه داری مولدین ثروت یعنی کارگران را از داشتن حداقل ثروت محروم می کند و به آن ها امکان استفاده از ثروتی که خود تولید کرده اند را نمی دهد و در عوض شرایطی به وجود می آورد که آن هائی که کاری نمی کنند - البته جز سازمان دادن شرایط استثمار مولدین ثروت - از بیشترین امکان تصاحب ثروت جامعه و استفاده از آن بهره مند می شوند. از این روست که در جامعه سرمایه داری به همان صورت که امروز در ایران شاهدیم ثروت در یک سو و در دست سرمایه داران و ایادی شان به مثابه اقلیت محدود استثمارگر انگل صفت متمرکز می شود و اکثریت جامعه از ثروت تولید شده در جامعه تنها سهم کوچکی نصیب می شود. درست به همین خاطر است که امروز شاهدیم که اکثریت آحاد جامعه به درجات متفاوت گرفتار فقر و فلاکت بوده و محروم از بسیاری از نعمات زندگی با مشکلات عدیده و شرایط زندگی آسفباری مواجه می باشند. بنابراین وجود فاصله طبقاتی شدید بین طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر و زحمتکش ذاتی سیستم سرمایه داری می باشد که به خصوص امروز نه فقط در جامعه سرمایه داری ایران بلکه در کل جهان به طور فزاینده در حال گسترش است و بیش از هر وقت دیگر چهره زشت و کثیف سیستم سرمایه داری را در مقابل جهانیان به نمایش گذاشته است.

این که یک کارگر ساختمان با همه رنج و زحمتی که در کار متحمل می شود مزدی دریافت نمی کند که بتواند هزینه بیمارستان برای وضع حمل همسر حامله اش را بپردازد و جامعه، بیمارستانی با دکتر و تجهیزات لازم برای کارگزارش که مولدین اصلی ثروت در همین جامعه هستند تهیه نمی بیند تا کسی از خانواده های کارگری به خاطر نداشتن پول جانش را از دست ندهد، این که بنا به آمار منتشر شده طی سال گذشته ۶۰ درصد از کل حوادث کار ساختمانی منجر به مرگ کارگران شده است (بر اساس سخنان مدیر کل بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تاریخ ۱۳ مرداد)، این که باز طبق آمار خود دست اندرکاران رژیم، دو میلیون و نیم زن در ایران بدون هیچ شغلی و درآمدی در حالی که سرپرستی فرزندان خود را نیز به عهده دارند از تأمین حداقل معاش برای خود و فرزندانشان محروم گشته اند، این که فقر و گرسنگی به چنان حدی رسیده است که حتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به مثابه یک ارگان جنایتکار و "بی همه چیز" نیز به آن اعتراف کرده و نسبت به آن هشدار می دهد و به طور متوسط ۱۳ درصد جامعه را گرسنه اعلام می کند، این که سطح خیابان های تهران و دیگر شهرها را کودکان معصومی فرا گرفته که به جای این که در سر کلاس درس باشند هر یک اجناسی از قبیل آدامس و بیسکویت و گل و غیره را به دست گرفته و آن ها را با التماس به رهگذران به فروش می رسانند، این که "برخی از کودکان براساس نوع جنس و سن و تجربه بین یک تا ۴ میلیون تومان فروخته یا اجاره داده می شوند" (روزنامه ایران به تاریخ چهارم مرداد ۱۳۹۴)، این که به نوشته همین روزنامه، تنها در تهران ۱۳ هزار کودک کار وجود دارد که به بیگاری مشغولند و... و... و آن گاه در آن سوی مرز (مرز بین سرمایه داران و وابستگان به رژیم با کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های تحت ستم ایران) اقلیتی در حدود ۵۰ هزار نفر وجود دارند که به نوشته "کلمه" (دهم بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۳) تنها در سال ۱۳۹۲ از درآمد ۳۰۰ هزار میلیاردی برخوردار بوده اند که مسلماً هر چه زمان می گذرد بر میزان درآمد و ثروت این بخش محدود و مفتخور

جامعه هم افزوده می گردد، و در همین جامعه سطح دزدی "مقامات" جمهوری اسلامی و وابستگان شان به آن جا رسیده است که حال سخن از گم شدن دکل ۸۷ میلیون دلاری در میان است و...

همه این ها نمودارهایی از نظم طبقاتی ظالمانه سرمایه داری حاکم و بیانگر بیماری و ناکارآمد بودن سیستم سرمایه داری در ایران می باشد. در چنین جامعه ای است که می بینیم که همه چیز وارونه تنظیم گشته است. آنان که با شرافت تمام از حاصل دسترنج خود زندگی می کنند به خاطر این که پول ناچیزی به دست می آورند مورد توهین و تحقیر قرار می گیرند. به عکس، مفت خورها که انگل وار از قبل کار دیگران ارتزاق می کنند و حاصل دسترنج دیگران را به جیب می زنند خانم ها و آقایان محترم شمرده می شوند. در این جامعه وارونه است که دستفروش زحمتکش اهوازی از ظلم و ستم حاکمین به چنان حد از استیصال می رسد که زن و دو فرزند خردسالش را رها کرده و دست به خودسوزی می زند و مظاهری چون تن فروشی، کارتن خوابی، اعتیاد جوانان و از این قبیل، خصوصیت این جامعه وارونه است. در این جامعه وارونه است که از طرف دیگر، جوانانی از طبقه مفت خور و انگل هم غرق در بی خیالی و خوش گذرانی های شبانه با ماشین های آخرین سیستم خود در خیابان های پایتخت ویراژ می دهند که گاه خبر قربانی شدن شان در این ویراژهای پر سرعت شبانه در روزنامه ها درج می شود.

این جامعه سرمایه داری وارونه، جامعه ای که اکثریت مردم در آن با مصیبت های گوناگون دست به گریبانند فرسنگ ها از یک جامعه مطلوب انسانی به دور است. از جامعه ای که فاز اول آن را جامعه سوسیالیستی می نامیم. جامعه سوسیالیستی، متضاد با جامعه سرمایه داری که نظم و برپائی آن به خاطر تأمین منافع مشتی سرمایه دار مفتخور و انگل صفت می باشد بر اساس منافع اکثریت مردم به نظم در آمده و سامان یافته است. در این سیستم هر کس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه کارش از ثروت اجتماعی بهره مند می گردد؛ و در چهار چوب همین سیستم سوسیالیستی است که ثروت اجتماعی به طور عادلانه بین آحاد جامعه تقسیم می شود. این واقعیت در عین حال اولین معیار اساسی است که جامعه سوسیالیستی را از سیستم سرمایه داری متمایز می سازد.

تنها طبقه کارگر آن طبقه اجتماعی است که قادر به ایجاد جامعه سوسیالیستی می باشد، این را قانونمندی های حاکم بر نظام سرمایه داری و تاریخ مبارزه علیه این نظم ظالمانه بارها ثابت نموده است. طبقه کارگر در شرایط جامعه روسیه توانست در جریان مبارزات اقتصادی خود با روشنفکران کمونیست، این سرچشمه های آگاهی ارتباط برقرار کرده، در حزب طبقه کارگر متشکل شده و امکان رهبری مبارزه جهت سرنوشت سیستم سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم را پیدا کند. در شرایط ایران که تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد و دیکتاتوری عنان گسیخته ای بر جامعه حاکم است که به طبقه کارگر امکان تشکل در پروسه مبارزات قانونی و مسالمت آمیز را نمی دهد، کارگران ما تنها در پروسه مبارزه مسلحانه قادر به متشکل شدن خود شده و امکان رهبری همه مبارزات توده ها را خواهند یافت. آن ها با شکست دشمنان طبقاتی خود در جریان رهبری یک جنگ توده ئی خواهند توانست بر ویرانه های سیستم ظالمانه و مملو از جنگ و خونریزی سرمایه داری، جامعه سوسیالیستی مطلوب خود را بنا نهند. برپائی جامعه سوسیالیستی رسالتی است که تاریخ در مقابل کارگران قرار داده و کارگران مبارز ایران نیز از عهده آن خواهند آمد.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۰، شهریور ماه [سنبله] ۱۳۹۴